

فلسفه چیست؟

ژیل دلوز، فلیکس گتاری

ترجمه‌ی

زهره اکسیری و پیمان غلامی



رخداد نو

سرشناسه:	دُلوز، ژیل، ۱۹۲۵ - ۱۹۹۵ م. Deleuze, Gilles
عنوان و نام پدیدآور:	فلسفه چیست؟ / ژیل دُلوز، فلیکس گتاری؛ ترجمه‌ی زهره اکسیری، پیمان غلامی
مشخصات نشر:	تهران: رخ داد، تو، ۱۳۹۱
شابک:	۷ - ۳۰ - ۶۴۵۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	نیا
یادداشت:	عنوان اصلی: Qu'est-ce que la philosophie?
یادداشت:	واژه‌نامه، نمایه
موضوع:	فلسفه، علوم، منطق، زیست‌شناسی
شابک افزوده:	گتاری، فلیکس، ۱۹۳۰ - ۱۹۹۲ م. Guattari, Felix
شابک افزوده:	اکسیری، زهره؛ مترجم
شابک افزوده:	غلامی، پیمان؛ مترجم
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۱ ف ۹۲ د ۸ B۲۲۳۰
رده‌بندی دی‌بی‌ان:	۱۰۰
شماره کتابشناسی ملی:	۶۰۶-۲۹۰

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، مجتمع فروزنده، واحد ۵۱۲.
کد پستی ۱۳۱۴۷۴۴۱۷۸، تلفن: ۶۶۴۹۸۲۹۲، نمابر: ۶۶۴۹۸۲۹۴
• ناشر: رخ داد نو

ژیل دُلوز، فلیکس گتاری	Deleuze, Gilles; Guattari, Felix
فلسفه چیست؟	What is philosophy?

ترجمه‌ی زهره اکسیری، پیمان غلامی		
• چاپ اول ۱۳۹۱ تهران	• شمارگان ۱۱۰۰ نسخه	• قیمت ۱۱۵۰ تومان
• لیتوگرافی خدمات فرهنگی سبا	• چاپ تصویر	• صحافی شریف
• طرح روی جلد حسن کریمزاده		
شابک ۷ - ۳۰ - ۶۴۵۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸	ISBN 978-600-6457-30-7	
همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است		
Printed In Iran		

فهرست

۷	یادداشت ترجمه
۱۳	درآمد: آنگاه مسأله
۲۷	بخش اول: فلسفه
۲۹	۱. مفهوم چیست؟
۵۳	۲. صفحه‌ی درونماندگاری
۸۵	۳. پرسوناژهای مفهومی
۱۱۷	۴. زمین فلسفه
۱۵۵	بخش دوم: فلسفه، علم، منطق، و هنر
۱۵۷	۵. تابع‌سازها و مفهوم‌ها
۱۷۷	۶. دورنماها و مفهوم‌ها
۲۰۷	۷. درک، تأثیر و مفهوم
۲۵۵	نتیجه‌گیری: از آشوب به مغز
۲۷۷	یادداشت‌ها
۲۹۹	واژه‌نامه
۳۰۷	نمایه

یادداشت ترجمه

۱. احساس می‌کنیم که ترجمه‌ی فلسفه چیست؟ چیزی بیش از صرف انتقال دانش یا طرحی پژوهشی برای فهم دقیق‌تر فلسفه‌ی دِلوز و گُتاری باشد. احساس می‌کنیم که ضرورت‌های حاکم بر این کتاب می‌توانند سرتاسر زندگی‌مان را همراه با همین عرصه‌های شگفت‌آورش همچون اندیشه، ادبیات، و هنر تحت‌تأثیر قرار دهند و ما را به سوی این نقطه بکشانند که حرکت و کنش همواره مقدم بر خود اندیشه هستند. احساس می‌کنیم که باید بی‌اندازه در قبال زندگی‌هایمان حساس باشیم و خود زندگی و حرکت را به ضروری‌ترین شرط تولید هر مسأله‌ای بدل کنیم.

۲. کتاب حاضر راهی را برای ما باز می‌کند که از به‌گذر آن می‌توانیم دست به ارزش‌گذاری دوباره در قبال شیوه‌های اندیشیدن، گزینش‌ها، کردارها، عمل‌ها، شورها، احساس‌ها، و بازی‌هایمان بزنیم و معیارهای درست مواجهه با وضعیت‌ها را در نسبت‌ها و حلقه‌ها شناسایی کنیم. بدین معنا، کار کتاب حاضر توأمان کارکردی، آزمون‌گرایانه و زیست‌شناختی است، و هر کسی را که ذره‌ای دغدغه‌ی ساخت‌گرایی و حیات‌باوری داشته باشد، با خودش همراه می‌کند. یا این‌حال، بدینی سرخوشانه‌ی ما اجازه نمی‌دهد که چندان نسبت به شیوع فراگیر این ضرورت‌ها امیدوار باشیم (چقدر احساس می‌کنیم که زندگی واقعاً شوخی نیست؟ — که زندگی، سرخوشانه و آری‌گویانه، دشوار و رنج‌آور است؟ — که رنج‌ورترین فیلسوف جهان، به قول نیچه، قه‌قه‌ا خنده را ابداع کرد؟).

۳. فلسفه از این حیث ذوقی حیات‌باورانه می‌طلبد تا فیلسوف (آن‌که با مفهوم کار می‌کند) و نافیلسوف (آن‌که چیز را همان آگاهی می‌داند) به همدیگر

پیوند خورند — همان اتفاقِ درخشانی که چه‌بسا در فلسفه تنها در سرتاسر آثار نیچه، و نیز در فصل پنجم از کتاب اخلاق اسپینوزا رخ بدهد. خود ذوق نیز دو سویه‌ی جدانشدنی دارد: ذوق در مقام سلیقه یا نوعی کیفیت حسانی، و ذوق در مقام مزه یا طعم، نوعی کیفیت گوارشی. بی‌دلیل نیست که نیچه مشکل بسیاری از فیلسوفان را بدگوارشی می‌داند و حتی آرتو نیز، در نامه‌ی قطعه‌وارش به پی‌یر لوتب، از نزاعی ناگهانی سخن می‌گوید که یک طرف آن را پلشتی و تبه‌گنی انسانیت گوارشی گرفته است، و در طرف دیگرش مردمان ابدیت قرار دارند. بنابراین، ذوق به شیوه‌ای از بازسازی فلسفی بدل می‌شود که طی آن خود استحاله‌های روانی به استحاله‌های تنانه راه می‌برند. نیچه خود را پزشک می‌نامد، اما رسالت پزشک نزد او نه کشف علل بیماری‌زا و رفع تنانه‌ی آن‌ها از خلال عوامل بیرونی (مثلاً داروها)، بلکه فهم استحاله‌هایی روانی است که، از خلال فرآیندهایی اکیداً تجربه‌گرایانه و درونماندگار، به استحاله‌های تنانه منجر می‌شوند و ارگانسیم را در مقام دست‌گاوِ داروری یا سلسله‌مراتبِ اندام‌ها منحل می‌سازند — چراکه، این بار به قول اسپینوزا، کنشِ ذهن همان کنشِ بدن و شورِ بدن همان شورِ ذهن است، و، حتی دست‌آخر، ذهن هیچ نیست مگر تصویرِ بدن. به همین خاطر نیچه، سرسختانه، با همه‌ی صورِ ایده‌آلیسم (دستور زبان، خرافه‌ی سوژه و روح، امرِ متعالی، گله، تبه‌گنی، اخلاقِ بندگان، و به‌طور خاص با هگل، و الخ) می‌ستیزد و ایده‌آلیسم را، بی‌وقفه، به فرآیندهای تأدیبی و اصلاحی وارد می‌سازد (مثلاً ماجرای انسان و زالوها در چنین گفت زرتشت). آفرینش نیز نزد دلتوز و گتاری، پیرو نیچه، مستلزمِ ذوقی فلسفی است.

۴. می‌توان مدعی شد که فلسفه چیست؟ اصولِ فلسفه‌ی راستین را بنیان می‌گذارد و توأمان همه‌ی معیارهای کاذب برای کارِ فلسفی را رد می‌کند؛ تو گویی فلسفه تازه خودش را فهمیده باشد، یا گویی فلسفه، پس از این همه سال، حساب کار دستش آمده باشد که اگر می‌خواهد انسان را از دست انسان، و حتی از دست فلسفه، آزاد کند، باید به ضرورتِ فهمِ واقعی، عملی و آزمون‌گرایانه‌ی درونماندگاری (در مقامِ اصلِ تک‌معنای هستی) پی برد و آن را

تا حد ممکن به خدمت زندگی (در مقام پیش‌آمد) و بیان قدرت آن؛ و نیز به خدمت عواطف، شورها، کنش‌ها، و ذوق‌هایمان درآورد. این اصول پیشتر نیز در هزار فلات: کاپیتالیسم و اسکیزوفرنی عملی شده و به نحوی کارکردشناختی به کار بسته شده بودند؛ این اصول را حتی می‌توان در نخستین کتاب دُلوز، تجربه‌گرایی و سوئزکتیویته، نیز ردیابی کرد (طرح‌ریزی سطح/نقشه)، اما آن‌ها عملاً این‌جا مورد بازخوانی دقیق‌تری قرار می‌گیرند و همه‌ی نسبت‌ها با دقت و حوصله‌ی فراوان توضیح داده می‌شوند. همین‌جا باید مضرانه یادآور شد که بازخوانی دوباره و دوباره‌ی آثار اسپینوزا و نیچه ضرورت فراوانی دارد.

۵. این اثر شیوه‌ی خاصی از گزینش معیارهای درونماندگار و ارزش‌گذاری درونماندگار نیروها است. با خود فلسفه بتواند به نخستین شرطش، به شرط پیش‌فلسفی‌اش، یعنی به تولید مفاهیم روی صفحه‌ی درونماندگاری آری بگوید، تا در نتیجه بتواند از دست مقولات کادری همچون امر منفی، امر کلی، تضاد، منفیت، امتداد، فعلیت، و الخ خلاص شود و به فهم درونماندگار وضعیت‌ها دست یابد، و چه‌بسا دست‌آخر بتواند به یگانگی مفهوم و چیز، یا دیدن پوستی بس‌گانگی‌های ماهوی و متفاوت‌شونده، خردرخدادها و تکینگی‌ها، دهلیزها و مجراها، و صور متنوع و متغیر شدن دست یابد و مردم در راه را نوید دهد. ناگفته پیداست که همه‌ی آثار پیشین این دو فیلسوف نیز تلاشی مضرانه بر سر ترسیم صفحه‌ی درونماندگاری و نشان‌دادن سوخت‌وساز آن در سطح نهفتگی‌ها است.

۶. بسیاری از فیلسوف‌ها حتی به اصل اول فلسفه نیز نماندیشیده‌اند: وضعیت‌ها را نه امر کلی یا امر آکسیوماتیک (امر اصل موضوعی)، بلکه امر تکین یا امر پروبلماتیک (امر مسأله‌زا) توضیح می‌دهند، و به همین خاطر اساس اندیشه و ضرورت‌های حاکم بر هر اندیشه‌ای را امور تکین می‌سازند. امر کلی نه‌تنها خودش را توضیح نمی‌دهد، بلکه باید توضیح داده شود، اما امر تکین نه‌تنها خودش را توضیح می‌دهد، بلکه امر کلی را نیز توضیح می‌دهد. تکینگی نقطه‌ی گسست دُلوز و گتاری از پدیده‌شناسی و ساختارگرایی است، آن‌جا که مسأله دیگر نه بر سر سوژه‌ی شناسایی‌کننده (تأمل)، ابژه‌ی شناسایی‌شونده

(تعمق)، و بیناسوبژکتیویته‌ی بازتابی (ارتباط، همسانی)، بلکه بر سر حرکت و آفرینش است. مسأله دیگر نه حتی بر سر نسبت بین امر جزئی و امر کلی، بلکه بر سر مناسبات، مجاورت‌ها، و جنبش‌های مولکولی تکنیکی‌های پرسرعت، پرنده، اشتدادی، و مرتعش است — امر جالب، امر چشم‌گیر: «تکنیکی‌ها نقطه‌های عطف و خمشانند: تنگ‌راه‌ها، گره‌ها، سالن‌ها، و مرکزها؛ نقاط گداز، میعان، و جوش؛ نقاط اشک و سرخوشی، مرض و سلامت، امید و اضطراب، نقاط "حساس" تکنیکی به بُعد دیگری تعلق دارد، نه به بُعد دلالت بر مصداق، آشکارسازی، یا دلالت‌گری. تکنیکی اساساً پیشاشخصی، غیرشخصی، و غیرمفهومی است. تکنیکی نسبت به امر فردی، امر جمعی، امر شخصی و امر غیرشخصی، امر جزئی و امر عام، و نیز نسبت به تقابل‌هایشان، به کلی بی‌تفاوت است. تکنیکی "خشتی" است. از سری دیگر، تکنیکی "معمولی" نیست: تکنیکی در مقابل امر معمول است. همی تلاش دُلوز (پیرو اسپینوزا، هیوم، نیچه، برگسون، کلوسوفسکی) این است که حرکت (فانتاسم) را به اندیشه (وانموده) وارد کند و نشان دهد که اندیشه نیز نمی‌تواند به شدن، حرکت، و تغیر بیانیدشد مگر آن‌که خودش را محصول حرکت بداند. علاقه‌ی واغیر دُلوز به سینما و مقایسه‌ی فیلم‌سازان بزرگ با فیلسوفان بزرگ از همین‌جا ناشی می‌شود: آگاهی دیگر آگاهی از چیز نیست، بلکه چیز خودش آگاهی است، چیز نه تنها با خودش تفاوت دارد، بلکه از خودش متفاوت می‌شود. تکنیکی همان مؤلفه‌ای است که حرکت و چیز را به یکدیگر پیوند می‌زند تا خود اندیشه، به قول دُلوز در قرائتش از لایبنیتس، در مؤلفه‌ی تکنیکی منفجر شود: فروتنانه‌ترین اندیشه (متانت: رازپوشی، عاطفه، سرعت).

۷. با این اوصاف لازم است تا نسبت فلسفه (مفهوم) با اندیشه («هیچ کسی برای اندیشیدن به فلسفه نیاز ندارد»، هنر (حسانیت)، ادبیات (تأثیر و درک)، علوم (تابع)، منطق (قضایا، مضمون و مصداق)، سیاست (شدن‌ها و رخدادها)، تاریخ (امتداد)، و جغرافیا (اشتداد) مشخص شود. حوصله‌ی فراوان دُلوز و گتاری در ترسیم دقیق‌ترین و درونماندگارترین صفحه‌ی درونماندگاری (صفحه‌خوان با

پلاتونون در مقابل پدیده یا فنومنون، آن‌ها را به تأیید اسپینوزا (شاهزاده‌ی فیلسوفان، فلسفه‌ی عملی عاطفه) و نیچه (یگانگی چیز و مفهوم، قدرتِ زندگی، فلسفه‌ی تفاوتِ نیرو) می‌کشاند. فیلسوف‌هایی همچون دکارت (دوگانه‌انگاری‌ها)، هگل (امر منفی، فعلیت، امتداد)، کانت (سوژه‌ی قانونگذار، قاضی، حکم، تعالی)، هایدگر (هستی بی‌تکوین یا همگون، خلطِ مردم با خون و نژاد)، و بدیو (بس‌گانگی کاذب، اصل‌موضوعه، امر کلی، خلطِ مفهوم و تابع) نیز متحمل اصلی‌ترین حملات نظری می‌شوند، چراکه این چهار فیلسوف (و بسیاری نام‌های دیگر)، هریک بنوعی خود، بیشترین توهم‌ها، ادراک‌های کاذب، و سفسطه‌ها را به فلسفه وارد کرده‌اند و، زیرِ نقاب اندیشه‌ی فلسفی، خودِ فلسفه را به امورِ کلی، امورِ متعالی، و همه‌ی فریب‌ها و دروغ‌های دال پیوند زده‌اند.

۸. ترجمه‌ی فارسی فلسفه چیست؟ از روی هر دو نسخه‌ی انگلیسی و فرانسیسی انجام شده است. همه‌ی بانویس‌های داخل کتاب از مترجمان فارسی، و در مواردی که با م.ا. مشخص شده باشد از مترجمان انگلیسی است. همه‌ی ارجاع‌های مؤلفان نیز به انتهای کتاب، بخش یادداشت‌ها، منتقل شده‌اند. باید از مینور (ایمان مسعودی‌فر) به‌خاطر کمک‌های ارزنده‌اش در رابطه با مباحث موسیقایی کتاب، از هادی خردمندپور و عباس ارضی‌نیا به‌خاطر پیشنهادهایشان در رابطه با فلسفه‌ی تحلیلی و منطقی، و از صالح نجفی به‌خاطر راهنمایی‌هایش در رابطه با فلسفه‌ی بدیو تشکر کنیم. پویا غلامی و البرز محبی‌خواه نیز بخش‌های زیادی از کتاب را همراه با ما خواندند، شنیدند، و همچون همیشه درباره‌اش صحبت کردند. از همه‌ی این دوستان و همراهی‌شان ممنونم.

۹. این کتاب را، صمیمانه و صادقانه، به همه‌ی کسانی تقدیم می‌کنیم که به قدرتِ زندگی در سرحداتش آری‌گو هستند و شیوه‌های نوینِ زیستن، ساختن، و آفریدن را آزمون و تولید می‌کنند: "ساخت‌گرایی".